786

تفسیر بیضاوی سال ۹۵-۹۴

۱- نام و نام پدر، لقب و نسبت، محل زندگی و مذهب مؤلف را بنویسید. (ب) نام اصلی این کتاب را بنویسید (۲/۵)

امام قاضی ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمد بن علی شیرازی البیضاوی

محل زندگی: بیضاء از روستاهای شیراز

ص۱۲ انوار التنزیل و اسرار التأویل

۲- ولطالما احدث نفسی بأن اصنف فی هذا الفن کتاباً یحتوی علی صفوة ما بلغنی من عظماء الصحابة و علماء التابعین

و طولانی شد گفتگوی کردم با نفسم به اینکه بنویسم در این فن کتابی که شامل شود بر برخلاصه آنچه به من رسیده از بزرگان صحابه و

(الف) عبارت را ترجمه نمایید (ب) دو نفر از عظماء صحابه را نام ببرید (ج) قاضی صاحب در تألیف این کتاب از چه تفاسیر دیگری کمک گرفته است؟ (۲/۵)

ص۴۱
۳- اهدنا الصراط المستقیم... والهدایة دلالة بلطف.... و منه الهدیة و هوادی الوحش

الف) هدایت و هدیة و هوادی الوحش باهم چه مناسبتی دارند؟ (ب) دو نمونه از هدایات الهی را ذکر فرمایید (ج) انسان هنگام قیام در صلوة از (اهدنا) چه هدایتی را درخواست می‌کند؟ این تحصیل حاصل نیست؟ (۳)

ج الف: در معنای رهنمایی کردن با نرمی و خیر خواهی مقدمه هدایة

ب: ا- دادن قدرتی که بوسیله آن راه نمایی شود شخص به هدایت شدن به مصلحتها ۲- آوردن دلایلی جدا کننده حق از باطل صلاح و فساد

ص۵۱ ج: زیاد کردن در آنچه از هدایت داده شده و ثابت ماندن بر آن یا حاصل کردن مرتبه عالی ثابت شده بر آن

۴- و ما روی ابن مسعود انه قال.... من قرأ حرفاً من کتاب الله.... بل الف حرف و لام حرف و میم حرف....

(الف) سوالی را که قاضی بیضاوی در نظر دارد، شرح دهید سوال این است که در اول متن آمده که حروف مقطعات و دیگر الفاظ اینها اسماء هستند و در حدیث آورد که اینها هر یک حرف اند پس چطور تطبیق می‌دهید؟

(ب) یک جواب از دو جواب حضرت مصنف رحمه الله را ذکر بفرمایید (۲)

می‌گوید شاید پیامبر به نام مدلولش نام گرفته است

ص۱۵۴،۱۵۱
۵- صم بکم عمی فهم لا یرجعون (الف) این الفاظ بنا بر حقیقت هستند یا مجاز؟ (ب) مقصود آیه را بنویسید (۲)

مجاز

ص۲۴۳، ۲۴۶
۶- واذ قال ربک للملئکة انی جاعل فی الأرض خلیفة (الف) مراد از خلیفه چه کسی است؟ انسان، آدم (ع)

(ب) این خلیفه خلیفه‌ی چه کسی است؟ (ج) خداوند متعال که در آفرینش عالم از فرشتگان مشوره نگرفت چرا در آفرینش این خلیفه از فرشتگان مشوره گرفت؟ حکمت چه بود؟ (۳) تعلیم المشاوره، تعظیم شأن

ص۲۷۲
۷- فتلقی ادم من ربه کلمات.... این کلمات چه بودند که حضرت آدم علیه السلام به وسیله‌ی آنها توبه فرمود؟

الف: (ربنا ظلمنا انفسنا) یا (سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک

ب) نامی از حضرت حوا گرفته نشد، او کجا رفت؟ (۲)

ب: چون حضرت هوا تابع آدم بود در حکم

ص۲۸۵
۸- ولا تشتروا بآیاتی ثمناً قلیلاً و ایای فاتقون.... آیه را ترجمه فرمایید (ب) علمای یهود از پیروان شان هدایای زیادی می‌گرفتند، قرآن مجید چرا آنها را قلیل گفت؟ (۲)

ج الف: نگیرید در عوض آیات من بهای کمی و فقط از من بترسید

ج ب: یعنی این پولی که از آنها می‌گرفتند در عوض آن چه از دست می‌دادند خیلی کم بود

۷۱۶

تفسیر بیضاوی ۹۴-۹۳

۱- الرحمن الرحیم (الف) رحمن و رحیم چه صیغه‌هایی هستند (ب) فرق بین رحمن و رحیم چیست؟ ص۲۵
ج) رحمه و رقة قلب را گویند در حالیکه خداوند از آن پاک است توجیه آن چیست؟

۲- مالک یوم الدین الف) چرا مصنف قرائت ملک را از مالک ترجیح می‌دهد (ب) مالک و ملک از نظر معنی چه فرقی دارند (ج) معنای الفاظ دین را بنویسید. ص۳۲

۳- و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الأرض قالوا انما نحن مصلحون (الف) ترجمه و توضیح فرمائید
ب) چند نمونه از فساد آنها را بنویسید ج) قائل قیل چه کسی بود؟ ص۱۲۹

۴- فیه ظلمات و رعد و برق إن ارید بالصّیب المطر فظلماته ..... وان ارید بالسحاب فظلماته ....
ترجمه و توضیح فرمائید. (ب) کلمات متعدد را در هر دو صورت بیان فرمائید. (ج) رعد و برق را تعریف کنید
و سبب آنرا نیز بنویسید. ص۱۵۶

۵- کلما رزقوا منها من ثمرة رزقاً قالوا هذا الذی رزقنا من قبل. صفت ثانیة للجنات و خبر مبتدای
محذوف او جملة مستأنفه (الف) آیه را ترجمه و تفسیر نمائید (ب) احتمالات اعرابی مذکوره ی
(قبل) را بنویسید (ج) آیا مراد از قبل دار دنیا است یا بهشت (د) فایده تشابه میوه‌ها را بنویسید ص۲۰۸

۶- و هم فیها خالدون الف) معنای خلود را طبق توضیح علامه بیضاوی بنویسید ب) چرا در بعضی آیات خالدین
(ابداً) مقید نموده است. ص۲۱۳

۷- و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الأرض خلیفه الف) آیه را ترجمه کنید ب) ملائکه را طبق مذهب
مسلمین و طبق مذهب حکما تعریف کنید. ج) خلیفه را توضیح دهید و بفرمائید چرا تاء تانیث بر آن آمده
است. ص۲۴۳

ج ۱: صیغه مبالغه اند ب: رحمن ابلغ تر است از رحیم ج: نامهای خداوند به اعتبار راهنمایی که افعال هستند گرفته می شوند در انتهای آنها

ج ۲: برای اینکه قراءة اهل حرمین است و بنا بر قول خداوند (لمن الملک الیوم)
ب: مالک: ذات متصرف در اعیان و ذاتهای مملوکه را گویند هر طور که بخواهد
ملک: کسی که متصرف در امر و نهی است از مامورین
ج: دین: گفته شده شریعت یا طاعت

ج ۳: الف: و هنگامیکه گفته شود به آنها در زمین فساد نکنید
ب: برانگیختن جنگها و فتنه ها با فریبکاری مسلمانان - تقویت کفار بر علیه مسلمانان و فاش کردن رازهای مسلمانان
ج: با خداوند متعال یا رسول (صلعم) یا بعضی مومنان

ج ۴: الف: در آن ابرها تاریکی هایی است و رعد و برق است اگر مراد از صیب باران باشد پس تاریکی های آن انبوه بودن قطرات باران و ظلمت ابرها و همراه تاریکی شب و اگر مراد ابرها باشد تاریکی آن سیاهی ابرها و انباشته شدن آنها و طبقه طبقه بودن آنها
ج: رعد: صدایی که از ابر شنیده می شود برق: آن چیزی که درخشان می شود از ابر
سبب آن حرکت کردن ابرها و مالیده شدن آنها و فتحه که باد آنها را به حرکت در می آورد

ج ۵: هرگاه بعضی داده شوند از میوه های بهشتی یک روزی می گویند این همان میوه ایی است که قبلاً داده شدیم
ب: این جمله یا صفت دوم جنات یا خبر مبتدای محذوف است
ج: در دنیا یا جنس های دیگری اند و جمله ای جداگانه است
د: تناقض با اولین بار رنگ آن زیرا بیننده به آن تمایل داشته باشد

ج ۶: الف: خلود در اصل ماندگاری مدت دار که دائم باشد یا نه ب: بزرگی صحیح آن برای تأبید باشد با لفظ ابداً مقید می شود

۷: هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود که من در زمین یک خلیفه ای از خودم قرار می دهم
ب: نزد اکثر مسلمانان اینکه فرشتگان اجسام لطیف اند توانا هستند بر شکل پذیری به شکلهای مختلف و حکما می گویند اینها جوهرهای مجرده اند مخالف اند با نفسهای ناطقه در حقیقت و بر دو قسم می شود
ج: کسی که جانشین غیرش است و به جای او است و تای آخر به خاطر مبالغه است

۷۸۶

تفسیر بیضاوی ۸۵

ص ۳۰

۱- رب العالمین الف) معنی اصلی رب را نوشته و به چه مناسبتی وصف باری تعالی قرار گرفته است؟ آیا اطلاق رب مطلقا بر غیر باری تعالی می‌آید یا خیر ب) معنی لغوی و اصطلاحی عالم را نوشته و علت جمع آوردن آنرا بنویسید؟ ج) جمع عالمین چرا با یای (نون) وارد شده؟ آیا اطلاق آن بر غیر ذوی العلم می‌آید یا خیر؟ وجه اطلاق آن بر ذوی العلم را بنویسید؟

ص ۲۹

۲- ذلک الکتاب لا ریب فیه الف) مشارالیه ذلک را مشخص نمائید به نحوی که علامه بیضاوی بیان کرده و علت مذکر آوردن آنرا بیان کنید. ب) مراد از الکتاب چه کتابی است و معنی کتاب را بنویسید ج) معنی لا ریب فیه را نوشته و توضیح دهید. کفار در حق قرآن شک دارند پس چگونه فرمود لا ریب فیه کاملا توضیح دهید.

ص ۸۶

۳- ومما رزقناهم ینفقون الف) معنی لغوی و عرفی رزق را بیان کنید و بگوئید معتزله به چه دلایلی حرام را رزق نمی‌نامند ب) اشاعره در این باره چه می‌گویند و تمسکات آنان را بیان کنید ج) تفسیر انفاق را نوشته و علت تقدیم مفعول به را گفته و ادخال من تبعیضیه را نیز توضیح دهید

ص ۱۸۶

۴- وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة الف) مناسبت و ربط آیه را به ماقبل بنویسید ب) علت آوردن نزلنا از باب تفعیل و نیاوردن از باب افعال را بیان کنید. ج) معنی سوره را بنویسید و بفرمائید اضافت عبد الی نفسه در علی عبدنا بخاطر چیست.

ص ۲۱۵

۵- ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة الف) تعلق و ربط آیه را با ماقبل بنویسید ب) معنی حیا و مشتق منه را مشخص نمائید و نسبت حیا به باری تعالی به چه معنا است ج) معنی ضرب المثل و معنی بعوض و مشتق منه آنها را نوشته و ترجمه و مطلب آیه را تماما بنویسید.

ص ۲۵۰

۶- ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون الف) ترجمه و مطلب آیه را بنویسید ب) مقصود ملائکه از گفتن نحن نسبح چیست؟ ج) و معنی تسبیح و تقدیس را بیان کنید

ص ۲۴۳

۷- انه هو التواب الرحیم الف) معنی توبه را نوشته و بفرمائید وقتی که متصف به عبد باشد به چه معنی است؟ و وقتی که به باری تعالی نسبت داده شود به چه معنی است؟ ب) معنی رحیم را بنویسید و در جمع بین این دو صفت اشاره به چه چیزی است؟

ج ۱) ـ الف) رب در اصل به معنی تربیت (رساندن چیزی به کمالش به صورت کم کم) ، چون خداوند حفاظت می کند آنچه که مالک است و آن را رشد می دهد چیز اطلاق می شود (ب) عالم در لغت اسم هر آنچه دانسته شود و اصطلاحا هر چیزی از جواهر و اعراض به این خاطر جمع آورد که شامل شود ماهیت خود را از جنس های مختلف
(ج) چون عاقلان غالب اند بلکه بر ذوی علم مانند فرشتگان یا جن و انس اطلاق می شود

ج ۲) ـ الف) اشاره به علم است یا بر قرآن ، مذکر آوردن ضمیر یا بخاطر اشاره به کتاب که مذکر است یا صفت کتاب (ب) مراد کتابی که وعده داده شده بر نازل کردن آن ، کتاب مصدر است به مفعول نام گذاری شد بخاطر مبالغه (ج) به این معنی که شخص عاقل بعد از فکر کردن صحیح در اینکه قرآن وحی است .
یا بر وزن فعال بنای مفعول مانند لباس

ج ۳) ـ الف) رزق در لغت : حظ و نصیب و از عرف نصیب و قدرت دادن بر استفاده و نفع گرفتن از آن چیز می گویند که خداوند از حرام منع کرده است و به دور شدن از آن امر کرده و از این آیه دلیل می گیرند که خداوند رزق مومنان را به خود نسبت داده (ب) اشاعره این نسبت دادن را بخاطر تعظیم و برانگیخته کردن مومنان بر انفاق قرار دادند و دلیل شان قول پیامبر (ص) است در حدیث عمرو بن قرة و اینکه اگر حرام رزق نمی بود خداوند کسی که حرام استفاده می کند را مرزوق نمی گفت در این آیه (و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها)
ج) ـ انفاق خرج کردن مال را در راه خیر فرضی و نفلی و علت تقدیم بخاطر توجه کردن و محافظت بر آخر آیه ها و من تبعیضیه آمد بخاطر باز داشتن از اسراف .

ج ۴) ـ الف) هنگامی که تقریر کرد وحدانیت خداوندی را وضع کرده راه رسیدن به دانش بر وحدانیتش را به دنبال آن این آیه را آورد (ب) به این خاطر که نزول قرآن قسمت قسمت بود بر وزن تفعیل (تدریج)
ج) چند جمله از قرآن که عنوان دار باشد و آن کمترینش ۳ آیه باشد بخاطر عظمت ذکر آن ،

ج ۵) ـ گرفته شد از ضرب الخاتم و معنی اصلی واقع شدن چیزی بر دیگری معنی به عوض . اسمی است بر وزن مفعول گرفته شد از بعض به معنی قطع ـ ص ۲۸۷

ج ۶) ـ الف : مطلب این است که خداوند انسان را به عنوان جانشین به فرشتگان معرفی کرد و فرشتگان اعتراض کردند که انسان با این دو قوت خود (شهویه و غضبیه) چطور خلیفه است از خداوند در آخر فرمودند (انی اعلم) (ب) آیا تو اشخاص نافرمان را خلیفه خود کرد در حالی که ما معصوم و پاک هستیم و به این چیز حق دار هستیم ج) تسبیح دور تصور کردن خداوند از صفات زشت و همین معنی می دهد تقدیس

صـ ۱

سوالات تفسیر بیضاوی ۸۹-۸۸

س ۱) - آیا بسم الله الرحمن الرحیم از سوره فاتحه است یا خیر؟ اختلافات قرّاء و فقهاء را در این رابطه با ذکر دلایل بنویسید؟ صـ ۱۵

س ۲) - (الرحمن الرحیم) الرحمة فی اللغة: رقة القلب وانعطاف یقتضی التفضل ومنه الرّحم لانعطافها علی ما فیها الخ. با توجه به این که الله تعالی از قلب و رقة القلب و انعطاف نفس پاک است صفت رحمة برای الله تعالی را چگونه توجیه می نمائید؟ صـ ۲۵

س ۳) - (مالک یوم الدین) اضاف اسم الفاعل إلی الظرف اجرأ له مجری المفعول به علی الاتساع کقولهم یا سارق اللیلة اهل الدار ومعناه ملک الامور یوم الدین علی طریقه (ونادی اصحاب الجنة) أوله الملک فی هذا الیوم علی وجه الاستمرار لتکون الاضافة حقیقة معدة لوقوعه صفة للمعرفة؟ عبارت را به صورت کامل توضیح دهید؟ صـ ۳۲

س ۴) - الم ① ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین ② والأولی أن یقال إنها أربع جمل متناسقة یقرر اللاحقة منها السابقة ولذلک لم یدخل العاطف فیتهما. إلی قوله. وفی کل واحد منها نکتة ذات جزالة ففی الأولی الحذف والرمز إلی المقصود مع التعلیل. وفی الثانیة فخامة التعریف وفی الثالثة تاخیر الظرف حذراً عن ایهام الباطل وفی الرابعة الحذف عبارت را شرح دهید؟ صـ ۵۱

س ۵) - (فماربحت تجارتهم) ترشیح للمجاز لمّا استعمل الاشتراء فی معاملتهم أتبعه ما یشاکله تمثیلاً لخسارتهم ونحوه ...
ولمّا رأیت النسر عزّ ابن دأیة وعشّش فی وکریه جاش له صدری عبارت ترجمه نمایید؟ صـ ۱۴۳

س ۶) - (وقودها الناس والحجارة) الخ. منظور از حجاره کدام سنگ یا سنگ ها هستند حداقل سه قول از اقوالی که علامه بیضاوی ره ذکر کرده اند بنویسید؟ صـ ۱۹۵

س ۷) - (إن الله لا یستحی مثلاً ما بعوضة) مراد از فما فوق چیست؟ دو قول در این رابطه بنویسید؟ صـ ۲۱۵

۸) - (قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء) الخ ملائکه از کجا می دانستند که انسان فساد و خونریزی دارد دو قول بنویسید؟ صـ ۲۴۱

ج ۱) - قراء مکه و کوفه و علمایشان و ابن مبارک و شافعی بر آنند که جزء سوره فاتحه است و دلیل قول ام سلمه (رض) که قرا رسول الله (ص) الفاتحة وعدّ (بسم الله...) آیه و قراء مدینه و بصره و شام و عالم هایشان و امام مالک و اوزاعی اینکه جزء سوره فاتحه نیست و دلیل قول ابوهریره (رض) است که پیامبر (ص) فرمود: فاتحة الکتاب سبع آیات.

ج ۲) - همانا نامهای خداوند به اعتبار نتایجی که افعال هستند گرفته می شوند نه اسبابی که انفعالات اند

ج ۳) - در این آیه (مالک یوم الدین) اسم فاعل که مالک است نسبت داده شده به اسم ظرف (یوم) بخاطر جانشینی مفعول علی الاتساع و دلیل قول عربها است که می گویند ای دزد شب بر اهل خانه و در این صورت معنی آیه این است که خداوند پادشاه همه کارها در روز قیامت یا معنی این طور می شود پادشاهی در آن روز همیشه برای خدای شود تا این اضافت حقیقی باشد آماده شده بر واقع شدن اسم فاعل صفت برای یک معرفه

ج ۴) - قول بهتر در مورد این آیات است چهار جمله اند که نظم داده شده اند که آیه بعدی آیه گذشته را تاکید می کند بهمین حرف عطف در میانشان نیامده و الف و لام میم دلالت می کند که قرآن از این حروف تشکیل شده و ذلک الکتاب برای تثبیت آیه قبل آمده و لاریب فیه گواه گرفتنی است بر کمال قرآن و هدی للمتقین مبتدای چهارم و نتیجه ای است برای مشرکان که این کتاب به انتهای درجه کمال رسیده و در هر یک از این جمله ها نکات بر معنا وجود دارد در اولی حذف و اشاره به مقصد در دومی غایة التعریف در سومی تاخیر ظرف بخاطر ترس از به هم آمدن باطل و در چهارم حذف و توصیف بر مصدر به کار رفته

ج ۵) - در این آیه ترشیح مجاز به کار رفته وقتی که خداوند شراء و خرید فروش را در معامله آنها استعمال کرد مانند به دنبال فرستادن هم شکل او شباهت کرد به خاطر خسارت ایشان و مانند این شعر عرب است که وقتی دیدم پرنده نسر را که غالب شده بر کلاغ و در خانه اش جای گرفته دلم برایش جوش زد.

ج ۶) - ۱- بت هایی که می تراشیدند ۲- طلا و نقره ۳- سنگ کبریت

ج ۷) - ۱- مافوق یعنی از نظر صغر و حقارت - مافوق یعنی بزرگتر باشد از نظر جثه

ب. یا ما زاد علیها فی القلة کالجناح (گزیدن) پشه

۷۸۶

تفسیر بیضاوی ۹۳-۹۲

۱- وقیل علم لذاته المخصوصة لأنه یوصف ولا یوصف به ولأنه لابد له من اسم تجری علیه صفاته ولا یصلح مما یطلق علیه مسواه ، ولأنه لو کان وصفاً لم یکن قوله لا اله الا الله توحیداً مثل لا اله الا الرحمن فإنه لا یمنع الشرکة عبارت را توضیح و شرح دهید. ص ۲۳

۲- چرا رحمان از رحیم مقدم شده درحالیکه براساس تقاضای قیاس، ترقی من الأدنی الی الأعلی باید رحیم مقدم باشد دو دلیل بنویسید. ص ۲۶

۳- والمعنی ان هذا التحدی به مؤلف من جنس هذه الحروف او المؤلف منها کذا وقیل هی اسماء السور وعلیه اطباق الأکثر سمیت بها اشعاراً بأنها کلمات معروفة الترکیب فلو لم تکن وحیا من الله تعالی لم تتساقط مقدرتهم دون معارضتها الخ عبارت فوق در رابطه با چه بحثی است؟ عبارات را کاملا توضیح دهید. ص ۵۹

۴- اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون الف) چرا اسم اشاره تکرار شده است؟ ب) چرا بین دو معنی اولئک حرف عطف آمده است درحالیکه در اولئک کالأنعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون حرف عطف وجود ندارد؟ ص ۹۳

۵- یخادعون الله والذین آمنوا الخ مخادعه از مفاعله است و می طلبد خداع از جانبین باشد لذا صورت خداع مشرکین با الله و بالعکس صنیع الله با آنها را بنویسید ص ۱۲۱

- مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وترکهم فی ظلمات لا یبصرون الخ یمکن جعلهما من التمثیل المفرد درصورت تمثیل مفرد تشبیه الذی استوقد ناراً و ذهب الله بنورهم ... چیزهائی است آنها را بنویسید. ص ۱۴۵

... وقودها الناس والحجارة مراد از حجارة در آیه، چه سنگی است حداقل دو قول از اقوالی را که بیضاوی نوشته را بنویسید. ص ۱۹۵

... الله لا یستحیی ان یضرب مثلاً ما بعوضة فما فوقها ... مراد از ما فوق چیست؟ آیا فوق در جثه ... عبارت هر دو تفسیر را با مثال توضیح دهید. ص ۲۱۵

[redacted] ... آیه که در سوره فاتحه است و دلیل قول ام سلمه رضی

ج ۱) - گفته شده لفظ الله علم است برای ذات خداوند چون که الله تعالی با آن توصیف می شود وصفت کرده نمی شود و به این خاطر که الله برای ضروری است از اسمی که جاری شوند براد صفاتش و صلاحیت ندارد برای جاری شدن صفات خداوند از آنچه که بر غیر خدا اطلاق می شود و دلیل دیگر اینکه اگر لفظ الله صفت قرار بگیرد لفظ لا اله الا الله توحید حساب نمی شود مانند لا اله الا الرحمن می شود صفت بودن مانع شریک بودن نیست
② رحمان مانند علم قرار گرفت از این جهت که صفت برای غیر خدا نمی شود

ج ۲) - ① بخاطر مقدم بودن رحمت دنیا چون که

ج ۳) - در رابطه با حروف مقطعات (الم) معنا این طور می شود که همانا قرآن تشکیل شده از جنس همین حروف است یا که حروف از قرآن تشکیل شده اند و گفته شده حروف مقطعات نام های سوره ها هستند و بر همین قول است اکثر مفسران و سوره ها به این حروف مقطعات نام گذاری شده اند خبر دهنده اند بر این که سوره ها کلماتی هستند شناخته شده از نظر ترکیب اگر دعای خداوندی نمی بودند توان آنها بر مقابله با قرآن ساقط نمی شد

ج ۴) الف) : بخاطر اینکه متصف کردن آنها با این صفات تقاضا می کند که حرکت از آنها بر حالت شان باشد در میان دو قسم اشاره حرف عطف آمد چون که مفهوم دو جمله در اینجا مختلف اند و در آیه بعدی حکم کردن بر غفلت و تشبیه دادن شان به چیز هستند

ج ۵) - خداع مشرکین با پیامبر (ص) بود با خداوند نبود و یا مراد از خداع مشرکین با رسول خدا بنا بر حذف مضاف یا اینکه به صورت خداع می کرد که به ظاهر اسلام داشتند و در دل کفر و کار خدا با آنها بخاطر مهلت دادن آنها بر اعمال گناهشان و مجازاتی بر آنها.

ج ۶) - الذی استوقد نارا به این معنی می شود که حالت و شان عجیب مشرکان به این شخص است و ذهب الله بنورهم ؛ یا جواب لمّا و ضمیر (هم) به الذی برمی گردد و یا جمله استینافیه است گویا جوابی است برای اعتراض سوال کننده ای که چرا به چنین شخص تشبیه داده شدند.

۷ - قول اول : نبت هایی که آنها حرارت شدید تر قول دوم : طلا و نقره و در دیگر قولی سنگ کبریت